

## تخلیص (خلاصه) مقاله در مورد نفاذ وضعیت اضطراری

قانون اساسی سال ۱۹۵۰ میلادی (۱۳۲۹ هجری شمسی) به قوه مجریه (پادشاه) صلاحیت داد تا در بعضی موارد، از جمله در زمان وقوع جند...، خطر جند...، اغتشاشات شدید و سایر حالات مشابه که کشور مورد تهدید قرار می‌گیرد، وضعیت اضطراری را اعلام نماید. (ماده ۱۱۳ قانون اساسی - هم "نان به مواد ۸ الی ۱۵ و ۱۱۳ الی ۱۱۹ مراجعه شود) در "نین حالت اضطراری، قوه مجریه (حکومت) از صلاحیت فوق العاده برخوردار بوده و میتواند شش مورد حقوق اساسی اتباع کشور را (به شمول تلاشی بدون اجازه رسمی، استفاده از مالکیت شخصی، حق حریمیت، آزادی گردهمایی و پرداخت غرامت) بطور مؤقت موقوف قرار دهد. قوه مجریه در حالت اضطراری هم "نان میتواند انتخابات سیاسی را به تعویق انداخته و هر نوع قانونی را که لازم باشد تصویب نماید. اما نظر به قانون اساسی ذکر شده، نفاذ وضعیت اضطراری باید در ظرف سه ماه بعد از اعلام آن توسط لویه جرگه مورد تصویب قرار گیرد.

لازم گردانیدن اینکه اعلام وضعیت اضطراری باید از طرف لویه جرگه تصویب شود نمونه‌ی بی از احکام قانونی است که قوه مجریه را محدود می‌سازد. هدف از برقراری "نین احکام آنست تا جلو قوه مجریه (حکومت) را گرفته و نذارند تا با استفاده سو از وضعیت اضطراری حقوق اتباع را مورد تهاجم قرار دهد و یا مؤسسات بنیادی حکومت را متضرر بسازد. به صورت مشخص، این احکام باید موارد ذیل را در عرصه نفاذ وضعیت اضطراری در بر بگیرد:

### اول) شروع يك وضعیت اضطراری:

به صورت عموم، وضعیت اضطراری تنها باید وقتی نافذ گردد که واقعه بزرگی رخ داده باشد - مثلا در صورت يك حمله خارجی بالای مملکت - و فقط امکان وقوع حادثه و یا واقعات جزئی نباید منتج به اعلام وضعیت اضطراری گردد. اما قسمی که میدانیم در افغانستان امکان زیاد تخطی سرحدات و یا وقوع دیور حوادث خشونتبار وجود دارد و این امر نظام مجریه حاکم را فرصت خواهد داد تا هرگاه بخواهد وضعیت اضطراری اعلام نماید. بناً جهت محدود ساختن امکان تحمیل يك وضعیت اضطراری توسط قوه مجریه لازم است تا شرایط نفاذ سخت تر ساخته شوند. از جانب دیور، "ون مشکل خواهد بود تا "نین شرایط از قبل تعریف و تعیین شوند، در نظر گرفتن بعضی احکام دیور - از جمله احکامی که تصویب يك ارگان نماینده را ایجاب مینمایند - اهمیت بسزایی دارند.

## دوم) تصویب متداوم از طرف قوه مقننه:

"ون نفاذ وضعیت اضطراری خطر آنرا که قوه مجریه حقوق اتباع را اتمام نموده و به یک زمامداری مطلق مبدل شود در ای دارد، بنا وضعیت اضطراری باید محدودیت زمانی داشته باشد. یک وضعیت اضطراری، بعد از اعلام آن، باید تا زمانی ادامه بیاید که مجلس مقننه بتواند تشکیل گردیده و دوام وضعیت اضطراری موجوده را به اتفاق اکثریت آراء به تصویب برساند - همانطوریکه ماده ۱۱۳ قانون اساسی سال ۱۹۵۰ تقاضا مینماید. غالباً تأخیر "ند هفته ای در کار تدویر مجلس مقننه و تصویب آن اجتناب ناپذیر میباشد، بخصوص اگر قرار باشد که نمایندگان مردم از ولایات کشور به مرکز سفر نمایند. قابل یاد آورست که وقتی مجلس مقننه می‌وئیم هدف ما (در اکثر ممالک دنیا) از پارلمان و یا یکی از دو اتاق پارلمان (البته در کشور هائیکه که پارلمان دو اتاقه دارند) میباشد. در افغانستان به صورت عموم لویه جرگه "نین نقش را بازی نموده است.

البته کافی نیست که تصویب قوه مقننه فقط یک بار صورت ببرد. وقتی یک وضعیت اضطراری تازه اعلام میشود، غالباً فشارات موجوده باعث میشوند که قوه مقننه با نفاذ آن موافقه نماید. با ادامه وضعیت اضطراری ممکن است که قوه مجریه (حکومت) در صدد استفاده از آن به منظور پیشبرد اهداف سیاسی خویش برآید. بطور مثال ممکن است کوشش صورت ببرد تا با استفاده از القاب مثل "خائن" مخالفین از صحنه دور ساخته شده و پایه های قدرت حکومت موجوده تحکیم شوند. با درنظر داشت این ملحوظات میتوان حکم نمود که باید هر دو الی سه ماه قوه مقننه وضعیت اضطراری موجود را مورد غور قرار داده و از سر تصویب نماید. برای آنکه از ادامه بی مورد وضعیت اضطراری جلوگیری شود، میشود این اروسه را قسمی عیار نمود که هر مرتبه ایکه مجلس مقننه به رأی فیری می‌پردازد باید یک اکثریت بزرگتر آراء لازم باشد تا وضعیت اضطراری بتواند ادامه بیاید. فرضاً اگر در رأی فیری اول یک اکثریت ساده (یعنی R. فیصد آراء جمع یک رای) کافی باشد، دفعه بعدی S. فیصد آراء لازم خواهد بود تا وضعیت اضطراری موجود ادامه بیاید. در دفعه سوم ۷۰ فیصد و به همین شکل ۸۰ فیصد آراء در دفعه "هارم ضرورت خواهد بود. بدین ترتیب، اگر یک حصه قابل ملاحظه از اعضای پارلمان ادامه وضعیت اضطراری را غیرلازم میشمارد میتواند با استفاده از حق رای قاطع به این وضعیت خاتمه ببخشد، بنا بعید خواهد بود که وضعیت اضطراری از حد لازم بیشتر ادامه پیدا کند. گذشته از آن، "ون قوه مجریه در هر دوره رأی فیری به مقدار بیشتر آراء نیاز خواهد داشت تا بتواند وضعیت اضطراری را ادامه دهد، امکان آنکه قوه مجریه از وضعیت اضطراری سوء استفاده کرده و حقوق اتباع را اتمام نماید خیلی کم خواهد بود.

از جانب دیگر، با اینکه خوب است که تصویب ابتدائی یک وضعیت اضطراری از طرف لویه جرگه صورت بگیرد، "ون تدویر یک لویه جرگه ایجاب شرایط فوق العاده را میکند، شاید لازم باشد که قانون اساسی وظیفه تصویب متداوم وضعیت اضطراری را به یک ارگان مقننه بجا بسپارد. البته قابل ذکر است که قوه مقننه در محدود ساختن قوه مجریه نقش مهمی را ایفا میکند و این امر بخصوص در حالات اضطراری صدق مینماید. بنا بر این حالات قوه مقننه و لویه جرگه نباید منحل ساخته شوند.

### سوم) نظارت از طرف کمیته تعیین شده توسط مقننه:

به منظور معاینه نمودن معلوماتی که حکومت بر اساس آن نفاذ وضعیت اضطراری را لازم می‌شمارد، قوه مقننه باید یک ارگان مستقلی داشته باشد که معلومات مطلوب را معاینه نماید. یکی از راه‌های حل اینست که قوه مقننه یک کمیته کاری را - به رهبری یکی از اعضای حزب مخالف - تعیین نموده و کمیته مذکور حق داشته باشد تا تمام معلوماتی را که قوه مجریه در اختیار دارد بررسی نماید. این کمیته در مورد اینکه "چه قسمتی از این معلومات میتواند با بقیه اعضای مقننه در میان گذاشته شود تصمیم گرفته و بر اساس این معلومات گزارشی را برای ارگان مقننه تهیه میکند. این گزارش معلومات کافی را در اختیار قوه مقننه قرار میدهد تا بر اساس آن بتواند در مورد ضرورت به دوام وضعیت اضطراری قضاوت نماید. وقتی وضعیت اضطراری به پایان میرسد از کمیته مذکور شاید خواسته شود تا یک گزارش عمومی را در ظرف یک سال آینده تهیه نموده در معرض عام قرار بدهد.

در افغانستان یک ارگان مقننه که دارای کمیته‌های دائمی و بجا نمی‌باشند (مثل لویه جرگه) میتوانند که به منظور فوق یک هیئت ثابت را مقرر نمایند و مهم است که این هیئت توسط یکی از معزین یا شخصیت‌های سیاسی - کسی که به صفت یک شخص بیطرف از حکومت شناخته شده باشد - رهبری شود. بدین ترتیب حتی اگر ممکن هم نباشد که آراء اکثریت و اقلیت را تعیین نمود، یک شخصی که وابسته به حکومت نباشد در صدر هیئت بررسی قرار خواهد گرفت. البته اعضای دیگر کمیته میتوانند توسط حکومت از میان فهرست اسامی اعضای مقننه که توسط اعضای غیر وابسته تهیه شده باشد تعیین گردند.